

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ح. بریالی  
۱۹ دسمبر ۲۰۱۸

## کابوس صلح ارتجاعی احتمالی با طالبان یا تأیید رسمی خشونت علیه زنان

حاکمیت اصیل اسلامی امارت طالبان در افغانستان در قرن ۲۱ شاید یکی از نمونه های منحصر به فرد سیاسی در جهان بوده باشد. زیرا جهان آن روز همه گونه از سلطه های جابرانه مذهبی و گاه ایدئولوژیک را دیده بودند ولی طالبان اسلامی یکی از نمونه های نادر و کمیاب چنین سلطه ای بود. این امارت اسلامی از هیچ سر و زاویه ای به هیچ نوع تمدن انسانی قرن اخیر اتصال نداشت. این امیرنشین اسلامی که اساساً از جانب غرب و کمپنی های عربی و استخبارات پاکستانی از میان مکاتب قران خوانی پاکستان دست چین گردید تا وسیله ای باشد برای رسیدن به برنامه های شرکت های نفتی و ایجاد یک پاکستان کوچک در افغانستان، به جان مردم افغانستان انداخته شد. حرف معروف است که طالبان به زنان افغان بشارت دادند که زن حق دارد تا دو بار تنها از خانه یا منزل بیرون آید یکی در زمان ازدواج و دیگری برای دفن.



با ورود طالبان زنان افغان اگر نیم نفسی هم برای زنده ماندن و اداهای انسانی خود داشتند، آن را نیز از دست دادند. این بار همه چیز کاپی صدر اسلام بود که بینه به بینه تحقق می یافت. تمام مکاتب دخترانه بسته شد، آن پرده های ضخیم دوران مجاهدینی نیز که مردان و زنان را از هم جدا می ساخت به کلی برچیده شد. اجازه دکتر رفتن به مریضان زن ممنوع اعلام شد. حجاب اجباری

به برقع و چادری اجباری مبدل شد. راه رفتن زنان با کفش های پاشنه بلند قدغن شد. پوشیدن جوراب و تنبان سفید که علامت رنگ پرچم طالبان بود ممنوع گردید و مرتکبین زن به شلاق در ملا عام محکوم گردیدند. هر نوع اعتراض زن

اگر وجود داشت با شکنجه الی اعدام و سنگسار زنان بدرقه گردید. خلاصه در این دوره تاریک و ظلمت از هر در و دیواری، مردانگی !!، رقابت ریش و پشم، دستار و عمامه می بارید. افغانستان دقیقاً عصر حجر یا صیقل سنگ را تجربه می کرد و دنیای متمدن سرمایه داری از شرق گرفته تا غرب و اروپا اصلاً هیچ نوع یادی هم از این انحطاط انسانی در يك سرزمین بلا دیده نمی نمودند. کوتاه سخن این که اگر در يك جامعه نیمی از پیکرش که زنان و دختران باشند و آخرین سرکوب های این چینی را ببینند دقیقاً آن جامعه در ردیف مردگان محسوب می گردد و طالبان برآستی موفق شدند تا با قوانین راستین اسلامی خود نابودی زنان زجر کشیده افغان را رقم زنند.

رنجهای عظیمی که طالبان بر زنان در سایه شریعت اسلام روا می داشتند بخشی از خشونت عریانی بود که علیه زنان و سرکوب آنها و محور هرگونه مقاومت و ایستادگی میان آنها، انجام می یافت. امروز که زنان افغانستان مستقیماً زیر چکمه های طالب و امارت اسلامی آنها نیستند ولی می بینند که به نام و بهانه های «جنگ در افغانستان راه حل نیست»، «مشکل افغانستان راه حل نظامی ندارد» یا «برای صلح در افغانستان همه طرف ها باید توافق نمایند» و غیره می خواهند باز هم این دار و دسته وحشی یک بار آزموده شده را باز هم نوبت و قدرت دهند تا از یک جانب غربی ها و روسها به نام چنین صلح ارتجاعی به تضمین منافع خود در افغانستان و منطقه برسند و از جانی هم همین کوچکترین زمینه های تحرک و خود جنبی میان زنان برای دیگر گونه زیستن نیز از آنها گرفته شود و برای خشونت و تبعیض علیه زنان دنیای تاریک تر و پُر عذاب تر رقم بخورد.

بلی تاریخ اشغالگری های امپریالیستی و به دوام آن تفاهمات میان نیروهای سیاه رقیب در جوامع متعدد جهان نشان داده که نیروهای امپریالیستی برای رسیدن به ستراتیژی ها و منفعت های خود ظرفیت قربانی ساختن همه دستاورد های خرد و بزرگ به نفع آزادی و رفتن به قهقرا و عقب روی را دارند. مثال بارزش را می توان در تفاهم شوروی ها و غربی ها در صدور و پیروزی انقلاب مجاهدینی ۱۳۷۱، بعداً هم گسیل وحشت طالبی علیه انارشی مجاهدی، به صورت برجسته و انکار ناپذیر دید. حالا هم گرچه طالب را مکلف ساخته اند که بگوید که به آموزش و آزادی زن احترام دارد، اما داستان و ماهیت پلید طالبان همان است که در بالا به آن مختصراً اشاره شد و مردم افغانسان به خصوص زنان جامعه هرگز ستمکاری این جماعت ضد زن را فراموش نکرده و نمی کنند.

آوردن هرگونه صلحی با شراکت گروه طالبان و بدین وسیله این جانپان را شامل در قدرت سیاسی ساختن به معنای پس لگد تاریخی سیاسی ایست که اولین قربانیان آن را باز هم زنان و جنبش آزادی خواهی تشکیل می دهد. بناءً باید با تمام نیرو و اتحاد سراسری در برابر هرگونه صلح ارتجاعی ایستاد و نیروی مقاومت همگانی را به وجود آورد